



رساله فی المتعلقات بای بای دندان!

ناصرالدین شاه، ملکه الیزابت و سیب زمینی‌ها!

UK made in است و خوب عمر می‌کند قربان. آرزو کردیم کاش جناب پدر ما را در آن بلاد مترقی می‌زاد تا یوکی باند شویم. سفیر انگلس بر ما وارد شد. گفت شیرینی فرنگی میل کنید که به غایت حلاوت است. تصدیق نمودیم که آن قدر هنی است که ۴ عدد میل نمودیم. گفت ۶ تا خوردید باز هم میل بفرمایید. از این دقت نظر و هوش و درایت به حیرت آمدم.

در خاتمه جشن حوالتی آوردند که بپردازید. گفتیم چیست گفتند خرج تولد ملکه است! فکر کردید مال پدرتان است که مفت بخورید و بروید؟ برافروختیم از جسارت آن گستاخ. عرعریه گفت سر به فدای مقدمتان! رسم فرنگی است! فرنگی کارش حکمت دارد. به ویژه انگلس که در زدودن ماده سیاه متعفن بد بو از بلادمان دست پیشین را دارد و علاقه به نه شنیدنش هرگز نباشد. این ملکم گفت قربانت گردم! مقام پرداخت مخارج جشن ملکه، مقامی بس والا است در نزد سلطنت و پدرانده کم از سیرالکس فرگوسن نیست. از این سخن محظوظ گشتیم. پرداختیم. سفیر با روی خوش و لبخندی زیبا و مودبانه و موقرانه گفت این مقام شماراست. با ملکه در میان می‌گذارم تا مقام پرداخت مخارج جشن بای بای دندان و هلو پنیرش را نیز به شما واگذارد. حظ وافر بردیم.

کوچه و بازار برنخواهد آورد! مخصوص بی‌سوادان گریگوری واپسگرای مرتجع منور بود. پنداشتیم سقاخانه است که به سنت خودمان برای رفع حواجج بر آن شمع گذارند. از تعدد شموع عیان بود کسی بی حاجت از درش باز نگشته. اصلا سقاخانه هم سقاخانه‌های فرنگی! حواجج همایونی ما را سقاخانه‌های

سیگار فرد اعلای فرنگی و مزقان چی و سیورسات. بر سینی بزرگی شمع بسیار منور بود. پنداشتیم سقاخانه است که به سنت خودمان برای رفع حواجج بر آن شمع گذارند. از تعدد شموع عیان بود کسی بی حاجت از درش باز نگشته. اصلا سقاخانه هم سقاخانه‌های فرنگی! حواجج همایونی ما را سقاخانه‌های

شب، بالای ساعت بلدی را پر کرده بود که در معیت میرزا تقی‌ابن‌ملکم و منورالفکرخان عرعریه به سفارت بلاد انگلس اندر شدیم. بر در ورودی نبشته‌ای فرنگی بود. ابتدایش را خواندیم کیپ کلم و مابقی یاری خواندن نمود. حیلتی بر خاطرمان گذشت. این ملکم را فرمودیم پدر سوخته! کرور کرور دینار خزانه را خرج فرنگ می‌کنی! بگو ببینیم چه نوشته. فرمود پایبندش نوشته اینجا تولد ملکه است بالایش به زبان محلی ست. پنداریم نوشته کلم‌هایتان را نگاه دارید. پرسیدیم مردک کلم‌مان کجا بود که نگاه داریم؟ عرعریه عرض کرد: قربانت گردم خاطر مبارکتان هست که در مراسم هالوین حضار کدو تنبل با خود داشتند و ما که نداشتیم به قدر سه من عرق، خجل گشتیم؛ به خاطر چاکر می‌رسد که در مراسم تولد کلم می‌آورند. چاکران را امر کردیم برونند به اندازه تمامی همراهان کلم فراهم آورند که ۵۰۰ عدد کلم فردا اعلای بیاورند و تقسیم نمودیم و به سفارت اندر شدیم. ابهت حضورمان جمعیت را چنان گرفت که چند دقیقه به ما و کلم‌های ملونمان خیره ماندند. کسی کلم به دست نداشت که لابد جمع کرده بودند. امر کردیم کلم‌ها را جمع کنند و از تشریفات چی انگلس استعلام نمایند این فقره را. به میهمانی داخل شدیم همه چیز فراهم بود از خوراک و شربت و آجیل و قلیان و



کارتونر: سیدمحمدجوادی طاهری



کارتونر: کامران یاری



پرچسب انرژی در برخی مسئولین!

بهرادرفوقیقر

مهدی پیرهادی

۷۰ درصد درآمد دهک‌های مطبوعاتی از سیگار است!

وطن قرمز!

پرشین-کانادایی!

- بعد بوتاکس و چهره آرایی
- تن سپردن به تیغ زیبایی
- مد شده بین این سه لیتری‌ها
- مرض «بیچه خارچی زایی»
- این یکی می‌رود برآیند
- گونه‌ی پرشین-کانادایی
- آن یکی هم که رفته زاییده
- پچی ژرمن آریانی
- آن کسی هم که آن وری نشده
- این وری رفته رو به زایایی
- کودکش گوش می‌دهد هر شب
- به زبان فرانسه لالایی
- عشق ایران ولی مدام آن‌ور
- آریایی ولی اروپایی
- مثل این است وقت صبحانه
- بخوری خاویار یا چایی
- یا دوتا جام لیگ و حذفی را
- بیساری به تیم شیش تایی
- ز همین راه دور می‌گویم
- سخنی با شما که آن جایی
- با شما که به افتخار ما
- ز همان کودکی سر یایی
- ما که خلیجی ز یاد باحالیم
- تو که خیلی زیاد بالایی
- ما همین جا کنار ایرانیم
- تو بگو در کجای دنیایی
- مطمئن باش توی کانادا
- نجلینا جولی نمیزیایی

۱. زبان آوری بودن: قطعاً یکی از رموز موفقیت سیگار «مضر بودن» آن است. آدمیزاد هم که همیشه به چیزهای مضر و منع شده حریص است. باید برنامه‌های چیده شود تا خواندن روزنامه هم برای مشتریان زبان‌بار بشود. مثلاً استفاده از ترکیبات «جیوه و سیانور» در مرکب چاپ یا تخمیر کاغذهای مطبوعات با «گاز خردل».

۲. چاپ عکس‌های عاقبت وخیم استعمال روزنامه پروری جلد: برای این کار کافی است وضعیت معیشت و فلاکت چند روزنامه‌نگار، نویسنده و آدم اهل مطالعه در صفحه اول درج شود. این‌گونه باعث ترغیب خریداران و تحریک حس کنجکاری آن‌ها در خصوص اثرات سو مصرف روزنامه و تجربه آن می‌شویم. خلافتانه دیگر.

۳. تنوع در عرضه: باریک، پاکوتاه، فیلتر پلاس، لایت و کلی صفت جذاب دیگر باعث اشتیاق مشتریان سیگار به خرید می‌شود. همین‌الگو باید در روزنامه‌ها هم پیاده‌سازی شود. مثلاً تصور کنید: اعتماد باریک، شرق لایت، قانون کوچیک، آفتاب برگ، همشهری پاوردار، کیهان نغاعی، وطن قرمز و انواع خلافتانه دیگر.

اتحادیه توزیع کنندگان مطبوعات اعلام کرده که ۷۰ درصد درآمد دهک‌های مطبوعاتی از سیگار است. شاید شما این مسئله را موضوعی اسفناک ببینید اما اینجا از همان جاهایی است که باید مهندسی معکوس بکنیم. یعنی بگردیم ببینیم راز موفقیت سیگار در دهک‌ها چیست و بعد ما هم همان سیاست‌ها را در مورد روزنامه بزنیم.



کارتونر: کاسه جعفری

محمدکوردی

ما و بیت المال نداریم که!

یک باب منزل کلنگی مربوط به دوره پرکامربین هست در دهات مان، البته الان خودمان در منزل سازمانی ساکنیم. غیر از این هر منزلی در هر جای کره زمین از دوی تا لاس وگاس پیدا کردید، حکما یادمان رفته. بگویید بزنیم به نام خانم بچه‌ها. - یک موتورگازی مدل ۵۵۵ داریم که خود دلیل روشنی بر ساده زیستی ماست. برای کارهای اداری هم از خودروی دولتی استفاده می‌نماییم. اگر یک وقت بنزی چیزی به نام ما رویت شد حتما بنده زاده پدر سوخته بی اجازه برده بیرون. بگویید خودمان قبل از شما خدمت می‌رسیم. - از لحاظ شغلی چندین فرزند مسئولیت داریم چون باید با هوا پیمای برویم که به همه برسیم- شما اگر دیدید ما یک ربال از این مشاغل خورده ایم، خبرمان کنید بفهمیم از کجا لور رفته! تازه آقا الان که ما و بیت المال نداریم که. ما بعد از عمری خوردن و بردن، خودمان هم جزو بیت المال محسوب می‌شویم. فلذا می‌گیریم ندهید، که هر چی از وزن ما کم شود از جیب کشور رفته!

معاون فناوری اطلاعات قوه قضائیه از طراحی سامانه ثبت دارایی مسئولان خبر داده و گفته: «همه مسئولان موظف به ثبت دارایی‌های خود در این سامانه هستند.» بعضی «مفسدان اقتصادی مسئول نما» به این جور کارها عادت ندارند و ممکن است جین استفاده از سامانه به بیت المال صدمه وارد کنند، لذا برای کسب عبرت، یکی از این موارد که باعث آسودگی و سوختگی سامانه شده را مرور می‌کنیم:

با سلام به سامانه ثبت دارایی‌ها اینجانب از لای دست و پای مسئولین، اموال خود را به شرح زیر اعلام می‌دارم. - یک فقره حساب داریم برای واریز حقوق. وضعیت طوری است که مسلمان نشنود کافر نبیند... هر چند یک آب باریکه ای هست به قاعده ۲۲-۲۳ میلیون. از قدیم هم گفتن آن را که حساب پاک است فی‌الآن... لذا سپردم بچه‌ها آنجا را آب و جارو کردند الان تشریف ببرید از پاک‌اش حظ می‌کنید. هر حساب دیگری از بنده دیدید اطلاع بدهید بشویم برود.

سمفونی بخور بخور!

کابینه، بی‌گمان که ز دنیای دیگر است هر کس که عضوان شده بودای دیگر است آهنگ قاروقور شده‌سهم ما، وزیر! سمفونی بخور بخور از جای دیگر است

با ما پیماسید! سر دبیر: فروغ زال دبیر تحریریه: محسن انصاری نژاد دبیر سرویس شعر: زهرا قربانی دبیر سرویس کارتون: کامران یاری دبیر فنی: مهدی نظری صفحه آر: حسین شهر یاری مزرعه امامی

بر فرض محال!

حالا که «فرض محال، محال نیست»، ما هم فرض می‌کنیم که فقط فرض می‌کنیم- می‌خواهیم از وزیر، وکیل، معاون و مدیر پرسیم که این همه اموال دارایی را از کجا آورده‌ای و چرا قبلاً نیاورده بودی و چرا کم آورده بودی! خوب، قبلاً باید کمی با خودمان فکر کنیم که ممکن است از کجاها آورده باشند تا بی خود نرویم میکروفون مان را پرت کنند. شما هم فکر کنید. همه فکرها را که نباید ما بکنیم!

۱) ممکن است از عمه بزرگ برادر ناتنی پدر شوهر نامادری پدرشان به ارث برده باشند. به به! طبیاً طاهر! اینجور عمه، فقط دوجا دیده شده، فیلم‌های هندی و مسئولین ایرانی! ۲) طبق قانون ژن، برخی در خوششان «جذب» دارند یا برعکس. هر جاکه پول باشد، آنها به آنجا می‌روند یا برعکس! ۳) عرق جبین و کد مین را فراموش نکنید. البته عرق داریم تا عرق! عرق من و شما کجا، عرق آن مدیر محترم کجا! ۴) «فیشینگ» یکی دیگر از فرض‌ها می‌باشد. اشتباه نکنید، این فیشینگ، آن فیشینگ کلاه‌برداری اینترنتی نیست. این یک چیز دیگر است! ۵) افتادن بانک مرکزی یا هر بانک دیگر در حرم خصوصی؛ یکی دیگر از آنجاهایی است که ممکن است آورده باشند! ربطی هم به داماد این وزیر یا ابدارچی آن وزیر ندارد. ربطی هم به ما ندارد. ربطی هم به شما ندارد...

سیب زمینی‌ها!

وقتی که غذای خوب باشد هستیم یا جشن دم غروب باشد هستیم گفتند الیزابت تولد دارد هر جاکه بزن بکوب باشد هستیم